حسین فصیحی

سیستان‌وبلوچستان کانون اصلی تهدید علیه مدافعان امنیت

امنیت حافظان امنیت

هر ۳ روز یک پلیس شهید



بر اساس آمار اعلام‌شده در این گزارش، از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا ۲۰ مهرماه، ۷۳ نفر از مدافعان امنیت در مجموعه فرماندهی انتظامی کشور در جریان تأمین امنیت مردم به شهادت رسیده‌اند، یعنی به‌طور میانگین تقریباً هر سه روز یک مأمور جان خود را از دست داده است. بررسی فهرست شهدای معرفی‌شده نشان می‌دهد سیستان‌وبلوچستان پرتکرارترین کانون جغرافیایی حوادث مرگبار علیه نیروهای انتظامی بوده است. در کنار حملات مسلحانه و اقدامات تروریستی، حوادث مرزی، انفجارها، درگیری با مجرمان و سوانح هنگام مأموریت نیز در این فهرست دیده می‌شود. این آمار، در کنار خسارت‌های وارد‌شده به مراکز و تجهیزات پلیس در جریان حملات دشمن، ضرورت بازنگری در شیوه تأمین امنیت، نوسازی تجهیزات و تقویت سازوکارهای پیشگیرانه را برجسته می‌کند.


سرهنگ شهید نصرت افتخاری

سردار شهید مجید ذکریایی

سردار شهید محمدرضا راهداری


سردار شهید محمدکاظم کریمی


سردار شهید وحید پرویئی


سردار شهید حسین حکیمی


سرهنگ شهید علیرضا مهرابی


سرهنگ شهید مجید بهرامی


سرهنگ شهید محسن چهری


سرهنگ شهید مهدی جباری


سرهنگ شهید مهدی جمشیدی

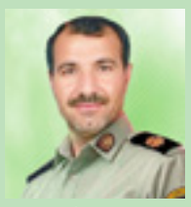

سرهنگ شهید مهدی سعادتی


سرهنگ شهید وحید پرویئی


سرهنگ شهید عباس رفعتی


سرهنگ شهید فرامرز نورزاد


سرگرد شهید حسین قویدل


سرگرد شهید رحمت‌الله سجادی مهر


سرگرد شهید علی مومنی


سرگرد شهید نبی‌علی اکبری


سروان شهید حسین رسولی


سروان شهید حمید زارعی


سروان شهید دانیال نوریان


سروان شهید مهدی بابایی


سروان شهید عبدالسلام کرد


سروان شهید عرفان شکوری


سروان شهید امیرحسین کیوانلو


سروان شهید جواد جعفرزاده


سروان شهید محمد پلنگی


سروان شهید محمدجواد عفری


سروان شهید محمد شاهی


سروان شهید عیسی عباسی


سروان شهید علیرضا فتحی


سروان شهید محمدرضا آرام


سروان شهید افشین فتحی


سروان شهید محمدرضا نظام دوست


سروان شهید مهدی نصیری


سروان شهید نورالله ناروئی


سروان شهید وحید محمدزاده


سروان شهید مجتبی اوجی

سروان شهید محمد ابراهیم ربانی پور

سروان شهید امیرحسین شهرکی

استوار شهید امیرحسین کیوانلو

استوار شهید احمد شیخی

استوار شهید رضا روزگرد

استوار شهید سبحان سنچولی

استوار شهید حسین خالقی‌نژاد

استوار شهید مبین مولایی

استوار شهید رضا دارایی عمارتی

استوار شهید عباس آقایی

استوار شهید عرفان رماوندی

استوار شهید علی حیدری مقام

استوار شهید علیرضا سنچولی

استوار شهید میلاد مرادتی تبار

استوار شهید محمد حسن بیگی

استوار شهید محمدرضا شاقوزایی

استوار شهید مهدی همتی

استوار شهید مهران شیکی

استوار شهید میثم کرمی

گروهبان شهید محمد فاتحی

استوار شهید علی اصغر گلدوی

سرباز شهید امیرحسین عزیزی

شهید امیرحسین فیضی اقدس

سرباز شهید سهیل لطف یار

سرباز شهید علی خان بابا نژاد

سرباز شهید علی عمرانی زاده

سرباز شهید محمد مهدی سالاری

سرباز شهید مسعود حسین بر

سرباز شهید مهدی وقار

سرباز شهید مهرداد طاهری

سرباز شهید میلاد مهدی پور

سرباز شهید احسان احمدی

شهید سجاد سنجرانی

کانون پرتکرار حملات مسلحانه

مرور اسامی و شرح حوادث گردآوری‌شده در این گزارش نشان می‌دهد سیستان‌وبلوچستان بیش از سایر استان‌ها در روایت حوادث مرگبار علیه مدافعان امنیت تکرار شده است. از حمله به خودروهای گشت و ایستگاه‌های بازرسی گرفته تا تیراندازی به مأموران، درگیری با گروه‌های مسلح و حوادث مرتبط با مراقبت از مرزها، مجموعه‌ای از تهدیدهای متنوع در این استان ثبت شده است. در میان موارد معرفی‌شده، شهادت استوار عباس آقایی در محور مواصلاتی لخشک زاهدان، سرهنگ مهدی جمشیدی در فاریاب کرمان، سرهنگ نصرت افتخاری در محور چشمه‌زیارت زاهدان، استوار علیرضا سنچولی در راسک و چندین مأمور دیگر در زاهدان، سراوان، ایرانشهر و میرجاوه، نمونه‌هایی از پراکندگی جغرافیایی این حوادث هستند. همچنین در فهرست ارائه‌شده، حمله به خودروی گشت پلیس در سراوان در ۲۷ فروردین و شهادت چند مأمور در آن حادثه، حملات مسلحانه در زاهدان و تیراندازی به مأموران در ایرانشهر و خاش دیده می‌شود.

این موارد، در کنار حوادث مرزی و مقابله با قاچاقچیان مسلح، نشان می‌دهد که مأموران انتظامی در این منطقه با یک تهدید واحد مواجه نیستند، بلکه باید هم‌زمان با تهدیدهای تروریستی، ناامنی‌های مسلحانه، قاچاق سازمان‌یافته و مخاطرات ناشی از مأموریت‌های مرزی مقابله کنند. همجواری سیستان‌وبلوچستان با پاکستان و افغانستان، طولانی بودن مرزها، دشواری دسترسی به برخی مناطق و فعالیت شبکه‌های قاچاق، شرایط تأمین امنیت را پیچیده‌تر می‌کند. با این حال، صرف اشاره به موقعیت جغرافیایی برای توضیح تداوم حوادث کافی نیست. ارزیابی دقیق‌تر مستلزم بررسی الگوی حملات، نقاط آسیب‌پذیر، زمان وقوع حوادث، امکانات موجود و میزان آمادگی عملیاتی یگان‌هاست.

چرا پیشگیری باید پیش از وقوع حمله آغاز شود؟

در گزارش‌های مربوط به حوادث انتظامی، معمولاً پس از وقوع حمله از اجرای طرح مهار، دستگیری متهمان یا شناسایی عوامل حادثه سخن گفته می‌شود. این اقدامات برای اجرای قانون ضروری‌اند اما پرسش اصلی در یک بررسی پیشگیرانه آن است که آیا امکان شناسایی تهدید، کاهش آسیب‌پذیری نیروها و ناکام گذاشتن حمله پیش از وقوع وجود داشته است؟ اگر حملات علیه مأموران در یک محور، ایستگاه یا منطقه مشخص بارها تکرار می‌شوند، بررسی الگوی این حوادث باید به اصلاح شیوه استقرار نیروها، تقویت حفاظت پیرامونی، بازنگری در مأموریت‌های گشت و ارتقای تجهیزات منجر شود. مطالبه تجهیز پلیس به فناوری‌های نوین، خودروهای متناسب با تهدیدهای موجود، سامانه‌های پایش و پهپادهای شناسایی در چنین شرایطی، صرفاً یک خواسته تجهیزاتی نیست، بلکه بخشی از راهبرد کاهش خطر برای نیروهایی است که در معرض تهدید قرار دارند.

البته فناوری به‌تنهایی راه‌حل نیست. تجهیزات باید متناسب با شرایط منطقه انتخاب شوند، نگهداری و پشتیبانی مستمر داشته باشند و در اختیار نیروهایی قرار گیرند که آموزش لازم برای استفاده ایمن و مؤثر از آنها را دیده‌اند. در مناطق پرخطر، ترکیب اطلاعات میدانی، تحلیل الگوی حوادث، آموزش تخصصی، ارتباطات امن، تجهیزات حفاظتی و آمادگی امدادی می‌تواند احتمال موفقیت حملات را کاهش دهد.

حداقل‌های حفاظت از مأموران

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره حوادث مرگبار انتظامی، وضعیت تجهیزات حفاظتی مأموران در زمان انجام مأموریت است. آیا نیروهایی که در معرض تیراندازی قرار می‌گیرند، به جلیقه ضدگلوله استاندارد و متناسب با سطح تهدید دسترسی دارند؟ آیا خودروهای گشت و مرزبانی از حفاظت کافی برخوردارند؟ آیا تجهیزات ارتباطی و امدادی امکان واکنش سریع و ایمن را فراهم می‌کنند؟

پاسخ به این پرسش‌ها باید بر پایه اطلاعات رسمی، گزارش‌های کارشناسی و بررسی هر حادثه ارائه شود. از فهرست اسامی و شرح کوتاه حوادث به‌تنهایی نمی‌توان نتیجه گرفت که همه مأموران شهیدشده فاقد جلیقه ضدگلوله بوده‌اند یا فرسودگی تجهیزات علت مستقیم شهادت آنان بوده است. با این حال بررسی تصاویری که پس از حادثه منتشر می‌شود نشان می‌دهد مأموران از حداقل امکانات دفاع برخوردار هستند، با این حال همین پرسش‌ها باید به بخشی از ارزیابی رسمی حوادث تبدیل شوند. اگر بررسی‌ها نشان دهد کمبود تجهیزات حفاظتی یا نامتناسب بودن خودروها در افزایش تلفات نقش داشته، اصلاح آن باید در اولویت بودجه‌ای و عملیاتی قرار گیرد. تجهیز نیروها به جلیقه و کلاه حفاظتی استاندارد، خودروهای مناسب مأموریت‌های پرخطر، تجهیزات ارتباطی قابل اتکا، سامانه‌های هشدار و امکانات امداد و تخلیه مجروحان، باید بر مبنای ارزیابی تهدید و با اولویت مناطق پرخطر انجام شود.

حملات نظامی و ضرورت بازسازی توان انتظامی

بخش دیگری از شهدای معرفی‌شده در این گزارش، در جریان حملات امریکا و رژیم صهیونیستی به کشور جان خود را از دست داده‌اند با این حال همان گونه که اشاره شد شهدای معرفی‌شده همه شهدای فراجا را شامل نمی‌شود. در این میان، از حملات به مراکز انتظامی و برخی تأسیسات و ساختمان‌های مرتبط با مأموریت‌های امنیتی نیز سخن گفته شده است. آسیب دیدن ساختمان‌ها، خودروها، تجهیزات و زیرساخت‌های ارتباطی، تنها به خسارت مالی محدود نمی‌شود زیرا توان عملیاتی یک یگان به مجموعه‌ای از امکانات وابسته است که از محل استقرار نیروها تا ارتباطات، تجهیزات میدانی و پشتیبانی را دربرمی‌گیرد. بازسازی این ظرفیت‌ها در شرایط دشوار اقتصادی، نیازمند برآورد دقیق خسارت، اولویت‌بندی نیازها و تخصیص بودجه هدفمند است. در این مسیر، باید میان هزینه‌های ضروری برای استمرار مأموریت‌های حیاتی و هزینه‌هایی که می‌توان آنها را به تعویق انداخت، تفاوت قائل شد. همچنین لازم است در طراحی یا بازسازی مراکز انتظامی، اصول حفاظت فیزیکی، تداوم خدمت در شرایط بحران، پشتیبان‌گیری از سامانه‌های ارتباطی و امکان ادامه مأموریت در صورت آسیب دیدن یک مرکز مورد توجه قرار گیرد.

تهدیدهای متفاوت، راهکارهای متفاوت

فهرست شهدای معرفی‌شده نشان می‌دهد همه حوادث منجر به شهادت، ماهیت یکسانی ندارند. بخشی از مأموران در حملات مسلحانه و تروریستی، شماری در درگیری با مجرمان و قاچاقچیان، گروهی در حوادث مرتبط با مین و انفجار و برخی نیز در سوانح رانندگی حین مأموریت جان خود را از دست داده‌اند.

برای نمونه، در این فهرست به شهادت استوار سبحان سنچولی بر اثر برخورد با مین پدافندی در منطقه مرزی سراوان، شهادت سرباز علی باوه‌ای بر اثر واژگونی خودرو در منطقه بانه و شهادت احسان احمدی در حادثه واژگونی خودروی گشت هنگام تعقیب و گریز اشاره شده است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد سیاست کاهش تلفات نباید فقط بر مقابله با حملات مسلحانه متمرکز باشد. در حوزه مأموریت‌های مرزی، شناسایی و علامت‌گذاری مناطق آلوده به مین و مواد انفجاری، آموزش تشخیص خطر و استفاده از تجهیزات مناسب اهمیت دارد. در مأموریت‌های تعقیب و گریز، تدوین دستورالعمل‌های روشن برای ارزیابی خطر، مدیریت سرعت و استفاده از فناوری‌های شناسایی می‌تواند از تبدیل یک عملیات انتظامی به حادثه‌ای مرگبار جلوگیری کند. در مقابله با قاچاقچیان مسلح نیز، تحلیل اطلاعاتی، شناسایی شبکه‌ها، هماهنگی میان یگان‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با سطح تهدید می‌تواند از اتکای صرف به رویارویی مستقیم بکاهد.

مطالبه از دولت، مجلس و دستگاه قضایی چیست؟

اگر قرار است شهادت مأموران فقط در حد انتشار خبر و برگزاری مراسم باقی نماند، لازم است هر حادثه به فرصتی برای شناسایی ضعف‌ها و اصلاح ساختارها تبدیل شود. در این مسیر، چند مطالبه مشخص قابل طرح است:

۱. انتشار گزارش آماری منظم و تفکیک‌شده: فراجا باید در حد امکان و با رعایت ملاحظات امنیتی، آمار شهدای خود را بر اساس استان، درجه خدمتی، نوع مأموریت، علت حادثه و نوع تهدید منتشر کند. این داده‌ها باید میان شهدای حملات نظامی، حملات تروریستی، درگیری‌های انتظامی و سوانح حین مأموریت تفکیک شوند.

۲. ارزیابی مستقل حوادث مرگبار: پس از هر حادثه منجر به شهادت، بررسی کارشناسی باید مشخص کند چه عواملی در وقوع حادثه و میزان تلفات نقش داشته‌اند. از وضعیت تجهیزات و آموزش گرفته تا شیوه استقرار، کیفیت اطلاعات و امکانات امدادی. هدف این بررسی باید اصلاح فرایندها باشد، نه صرفاً ثبت نتیجه حادثه.

۳. اولویت‌بندی بودجه بر اساس سطح خطر: دولت و مجلس باید اعتبارات مورد نیاز برای تأمین تجهیزات حفاظتی، نوسازی ناوگان، توسعه ارتباطات امن و تقویت زیرساخت‌های مناطق پرخطر را بر مبنای ارزیابی مستند تهدیدها بررسی کنند. تخصیص منابع باید قابل پیگیری و دارای شاخص‌های سنجش عملکرد باشد.

۴. تقویت آموزش و آمادگی عملیاتی: آموزش تخصصی نیروهای مستقر در مناطق پرخطر باید متناسب با نوع تهدید، شرایط جغرافیایی و مأموریت‌های واقعی باشد. آموزش تشخیص خطر، واکنش به حملات، کمک‌های اولیه و تخلیه مجروحان باید به‌طور مستمر ارزیابی و به‌روزرسانی شود.

۵. استفاده هدفمند از فناوری‌های نوین: سامانه‌های پایش، ابزارهای شناسایی، پهپادهای متناسب با مأموریت، تجهیزات ارتباطی و سامانه‌های هشدار باید در چارچوب برنامه‌ای روشن و همراه با آموزش، نگهداری و ارزیابی اثربخشی به کار گرفته شوند.

۶. تقویت همکاری میان نهادهای مسئول: تأمین امنیت در مناطق مرزی تنها بر عهده یک سازمان نیست. هماهنگی میان دستگاه‌های انتظامی، مرزبانی، اطلاعاتی، قضایی و نهادهای مسئول توسعه منطقه‌ای می‌تواند هم به کاهش فرصت فعالیت شبکه‌های مجرمانه کمک کند و هم امکان شناسایی زودهنگام تهدیدها را افزایش دهد.

۷. توجه همزمان به امنیت و محرومیت‌زدایی: توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد فرصت‌های اقتصادی و بهبود دسترسی مردم به خدمات عمومی، جایگزین اقدامات امنیتی نیست اما می‌تواند در بلندمدت از ظرفیت‌های اجتماعی مورد سوءاستفاده شبکه‌های مجرمانه بکاهد. سیاست امنیتی پایدار باید در کنار حفاظت عملیاتی، به شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز توجه کند.

امنیت پایدار با پیشگیری ساخته می‌شود

امنیت یکی از پایه‌های اصلی زندگی اجتماعی است. بدون امنیت، فعالیت اقتصادی، آموزش، رفت‌وآمد و بسیاری از خدمات عمومی با اختلال مواجه می‌شوند. در جامعه امروز نیز گسترش فناوری، علاوه بر ایجاد فرصت‌های تازه، زمینه شکل‌گیری و توسعه جرائم نوینی مانند جرائم سایبری را فراهم کرده است. جرائمی که مقابله با آنها به دانش تخصصی، زیرساخت فنی و نیروی آموزش‌دیده نیاز دارد. از این منظر، تأمین امنیت تنها به افزایش شمار نیروها یا خرید تجهیزات محدود نمی‌شود. سازمان انتظامی باید هم‌زمان از نیروی انسانی آموزش‌دیده، فناوری روز، تجهیزات متناسب با تهدید، اطلاعات قابل اتکا و سازوکارهای ارزیابی و اصلاح برخوردار باشد.

شهادت ۷۳ مدافع امنیت در بازه مورد اشاره، بر اساس آمار مبنای این گزارش، ضرورت توجه به این مجموعه نیازها را برجسته می‌کند. در عین حال، برای آنکه این عدد به مبنای تصمیم‌گیری عمومی تبدیل شود، انتشار آمار رسمی و تفکیک‌شده از سوی فراجا ضروری است.

هر مأمور پلیس هنگام خروج از خانه، در کنار مسئولیت حرفه‌ای خود، بخشی از نگرانی خانواده‌اش را نیز با خود می‌برد. هدف سیاست‌گذاری امنیتی باید آن باشد که این مأموریت تا حد امکان با کمترین خطر انجام شود نه اینکه پس از هر حادثه، تنها به شمارش جان‌باختگان و وعده برخورد با عاملان بسنده شود.

مطالبه اصلی از دولت، مجلس و دستگاه قضایی روشن است: تأمین بودجه متناسب با تهدیدها، ارتقای تجهیزات و آموزش، بررسی کارشناسی حوادث و تقویت سازوکارهای پیشگیرانه به‌ویژه در مناطقی که تکرار حملات، ضرورت بازنگری جدی در شیوه تأمین امنیت را نشان می‌دهد.